

تحقیقات باستانشناسی

لرستان

پیشکوه و پیشکوه

آثار تاریخی آن

بستم

بهمن کریمی

«دکتر» باستانشناسی

نواحیه لرستان، از جنوب کرمانشاهان شروع شده و به خوزستان ختم میشود. این ناحیه دارای آثار قدیمی بسیار میباشد چه در زمینهای آن پس از کاوش، اشیاء ذقیقت فراوان بدست آمده است. کوه کبیر کوه حد فاصل بین لرستان پشتکوه و لرستان پیشکوه و از قدیم الایام در دوران ساسانیان و اشکانیان تازمان خلفای بنی - العباس آثار زیادی در شکفتهای این کوه ساخته شده و کم و بیش باقی مانده است.

بیشتر سیاحان و علمای تاریخ و باستانشناس باین نواحی سفر کرده اند، نیمی به پشتکوه و نیمی بطرف پیشکوه رفته و هر یک رساله ای در این خصوص نوشته اند

اما هیچیک مانند نگارنده لرستان را (ازبای پل تا کرمانشاهان یعنی تمام قسمتهای پیشکوه و قسمتی از پشتکوه را) باین شکل و وضع سیاحت و مسافرت و مطالعه و گمانه زنی نکرده اند و نتوانسته اند مانند من لرستان را مو بمو موشکافی کنند .

این محل خصوصاً محل نشو و نمای قوم کاسیت بوده که من از آن قوم و سوابق تاریخی و اشیاء برنزی و عزیمت و کوچ آنها تاجائی که حوصله مجله و خوانندگان عزیز اجازه میداد بحث کرده ام.^۱

چنانکه گفته شد لرستان بمناسبت قدمت زمینهای تاریخی و تپه ماهورهای زیاد نظر علمای علم آثار باستان را بخود جلب کرده و گذشته از جغرافیون اسلامی مانند ابن فقیه و ابن بطوطه سایر کسانی که در شوش حفاری کرده اند مانند دمرسمان و دیولافوا نیز مسافرتی بلرستان نموده اند .

تنها کسی که در لرستان حفاری نموده و کتر اسمیت نویسنده کتاب معروف پرس پلیس Perse - Poliss (تخت جمشید) و نماینده موزه فیلادلفی که در تخت جمشید و دامغان وری حفاری میکرده بوده است .

او اجازه گمانه زنی در زمینهای تاریخی لرستان (رمشکان) و این نواحی را از وزارت فرهنگ درخواست نمود .

وزارت فرهنگ در پاسخ نامه مورخه ۱۰ نوامبر ۱۹۳۴ میلادی به آقای دکتر اسمیت اجازه گمانه زنی و حفاری را در قسمت های تاریخی لرستان که قبلاً نقشه آنها تهیه و ارسال داشته بود در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۱۳ خورشیدی واگذار کرد .

در تعقیب اجازه گمانه زنی سال ۱۳۱۳ خورشیدی آقای دکتر اسمیت رئیس هیئت حفاری در یازدهم شهریور ماه ۱۳۱۴ خورشیدی با سایر همراهان بطرف لرستان حرکت نمود و چون در این سال هوا پیمای همراه داشت با اجازه دولت ایران عموم مناطق تاریخی لرستان را تا خوزستان از یکطرف و تا کرمانشاه از طرف دیگر بازدید کامل نموده عکسبرداری کرده است البته در هوا پیمای یک نفر افسر ایرانی همیشه همراه او بوده است .

آقای دکتر اشمیت همین عمل یعنی عکسبرداری از آثار تاریخی با هواپیما را نسبت به تل و تپه های گرگان نیز انجام داد و باز یکنفر افسر ایرانی با او همراه بوده است - خانم دکتر اشمیت که همکار او بود در همه حفاریها با او همکاری میکرد پس از یکمی دوسال فوت کرد و او را برای همیشه داغدار نمود. مشارالیه نتوانست این مرگ را فراموش کند و آخر الامر خود نیز دنیار او داخ گفت.

بازرس اداره کل باستانشناسی همراه دکتر اشمیت مرحوم اسمعیل پستا بود و همراهان دکتر اشمیت بقرار زیر بوده اند :

Dr Erich - Schmidt

۱ - دکتر اریک اشمیت رئیس هیئت

Mese Erich - Schmidt

۲ - خانم دکتر اشمیت

Mr George Miles

۳ - آقای ژرژ میل

Mr Van Knox

۴ - آقای وان ناگس

Mr James Gaul

۵ - آقای جیمس گل

Mr Lewin Baringer

۶ - آقای لوین بارینگر

Mr Fred Liellich

۷ - آقای فردلی لیک

آقای دکتر اشمیت رئیس هیئت حفاری یک دسته عملیه ۱ نفری که در تخت جهشید و ری جهت اوکار کرده و مجرب و آزموده شده بودند همراه خود بلرستان برد.

دکتر اشمیت از مناطق تاریخی لرستان مانند هلهیلان - رمشکان - دره شهر - شیروان - کوه مله - سیکان - طرهان - پای پل عکس برداری نموده و ضمناً گمانه زنی هم کرده است. و در تپه های گفتارلان - چو خاسبز - دمیر والی - سرزوره نیز کم و بیش حفاری نموده است. (عکس شماره ۱)

باید گفت که این مطالعات را قبلاً آقای دکتر کنتنو Dr Conte nau

رئیس موزه آثار شرقی موزه لوور پاریس با آقای گیرشمن Mr Chirchman در موقعی که در لرستان و خصوصاً در نهاوند (تپه گیان = زیان) مشغول حفاری و گمانه زنی بودند بطور کامل انجام داده اند و در این باب کتابی نوشته و نتیجه عملیات خود را در آن کتاب شرح و تفصیل کرده اند.

در اینجا بی مناسبت نیست برای زنده کردن نام گذشتگان و کسانی که باین مملکت خدمت کرده اند مختصری از گزارش مرحوم پستا بازرس اداره کل باستانشناسی را که با مرحوم دکتر اشمیت کار کرده است ذکر کنیم :

« جریان حفاری اکتشافی تپه کفتارلان و رمیشکان بقراری است که معروض میدارد:

دپشت تپه سمت شمال غربی را بده کار گاه که هر کار گاهی دارای ده متر طول و پنج متر عرض میباشد تقسیم و هر روز در کار گاهها: کوزه، دیک و خمره های مختلف منقوش دارای نقش پرنده و شکارهای کوهی و نقشه های ساده و ظروف بدون نقش بیرون می آید. در میان اغلب آنها استخوان آدم میباشد و در بعضی از مکانها هم اسکلت تمام و یا ناقص ظاهر میشود: ظروف کفتارلان همصنوع با ظروفی است که از آنهاوند استخراج شده است. روز بیست و پنجم با آقای دکتر اشمیت مدت دو ساعت به چفاسبز (تپه سبز) یک فرسنگی سمت غربی این محل که حالیه مشغول حفاری هستیم رفتیم باتیله هائیکه در اطراف و روی آن تپه دیده و جمع آوری شد همه نقش دار و طبق نظریه آقای دکتر اشمیت مطابق با ظروف شوش اول است

همیشه پس از آزمایش کفتارلان به جفاویرمه که آثار قبرستان داراست و چفاسبز که آثار ساختمان در آن ظاهر است خواهند رفت.

میتوان با مقایسه کامل این ظروف و این اسباب و آلات با ظروف تپه کیان (ژیان) و تپه جمشیدی که توسط آقای دکتر کنتنوو آقای گیرشمن و ظروف کاشان و شاپور و شوش تاریخ تقریبی آنها معین کرد.

کفتارلان اول ۱۸۰۰ - ۲۵۰۰ ق - م

کفتارلان دوم ۱۸۰۰ - ۲۵۰۰ ق - م

چفاسبز ۱۵۰۰ - ۱۸۰۰ ق - م

دمیروالی ۱۵۰۰ - ۱۸۰۰ ق - م

چنانکه گذشت باید در لرستان از دو قسم آثار صحبت شود:

۱- زیر خاکی

۲- روی خاکی

۱- آثار زیر خاکی لرستان بیشتر عبارتند از اشیائی که یادگار قوم کاسیت میباشد و اشیاء لرستان اعم از مجسمه ها- چفته (دهنه اسب) سنجاق- سرگار- سرگرز که مجموعاً مفرغی هستند مربوط بتمدن واحدی میباشد این تمدن متعلق باقوم کاسیب بوده که تقریباً چهار هزار سال قبل در کوهستانهای لرستان ظاهر شده و تادوره هخامنشی توسعه یافته است. استفاده از اسب را که قبل از ورود کاسیت ها بابل در این جلگه کسی نمیدانست کاسیت ها در لرستان معمول کردند و ساکنینش آموختند و در مقابل نیز چیزهایی از بر خورد و تماشا با بابلیها یاد گرفتند. خط بابلیها را پذیرفتند و عادات و اخلاق را نیز از بابلیها فرا گرفتند که باخویش بلرستان آوردند و امروز از محتویات قبورشان روشن میگردد، زیرا بسیار زینت آلات اسب در قبور کاسیت ها در لرستان بدست آمده است.

استرابن Strabon جغرافی دان معروف از کاسیت ها گفتگوی بسیار کرده و ذکر می نماید که این قوم برای کمک به همسایگان شان جهت مدافعه در مقابل شوشی ها و بابلی ها، ۱۳۰۰۰ تیر انداز با اختیار ایشان گذاردند. اسکندر بیبانه اینکه هرگز اطاعتش نکردند بسا لرستان و این قوم جنگ کرد.

تمدن کاسیت تمدن قومی است که از تربیت اسب شروع شده و بجهانگیری ختم گردیده است.

لرستان کاسیت ابتدا برای ساکنین بین النهرین سفلی که جز الاغ حیوان دیگری سراغ نداشت تدارک اسب دید و بهمین مناسبت اهالی بین النهرین سفلی با اسب هم نام خر کوستافی دادند و کوستاف تحریف شده کاسیت است. هنگامیکه قافله هایی از لرستان بجانب مصر آمد و شد می نمودند بر طبق آنچه از اسناد زمان تسلط کاسیت ها استنباط میگردد ثروت بدره های مرتفع آن ایالت رو آورد و این ثروت در موقعیکه آشوریه با وسیله اسبان کاسیت عرابه رانی و سواران متعددی ترتیب دادند و تربیت کردند افزونی و توسعه پیدا کرد.

این آبادانی و ثروت که مفرغهای مزین لرستان بسط آنرا اثبات و تأیید میکنند تا دوره فارسیها ادامه داشت.

استرابن متذکر میگردد که در زمان هخامنشی ها ۵۰۰۰ مادیان در دره لرستان میچریدند.

استرابن این مردمان را با اسم متاناست Metanastes و مسکن اصلی آنانرا حاشیه دریای خزر در طول کوههای کوسه میدانند که بعداً در زاگرس جای گرفته اند .

دمرگان Demorgan نیز بگفتار او انکاری نداشته و حرکت آنانرا مقدم بر مادیها دانسته است .

دولاپورت Delaporte کاسیتهارا از نژاد آریائی میداند .

گوردن شیلد Gordon Child مهاجم قوم کاسیترا بر بابلتهاجم يك گروه آریائی دانسته و رئیس آنانرا شاهزاده آریائی اسم می برد .

آندره گودار André Godard در کتابی که بنام کاسیت ها نوشته تمام خصوصیات این قومرا ذکر کرده و از مفرغهای لرستان کاملاً اسم می برد .

(چنانکه گذشت منجم در شماره ۶ سال دوم همین مجله بررسی های تاریخی بطور بسیار مختصر شرح احوالی از این قوم و نمونه هائی کوچک از اشیاء مکشوفه آنان در قیود مادی راذکر کردم)

نمیتوان گفت که محققان زبان این مردمان چه بوده ولی ظن قوی اینستکه زبان آنان سامی نبوده بلکه زبان هندو اروپائی بوده چه صد کلمه از لغات این قوم باقی مانده است و مطابق تحقیقات آقای دکتر کنتنو Dr Conte زبان آنها بزبان اهالی قفقاز و هندو اروپائی بی شباهت نیست .

این مردم گویا قبل از استقرار کامل در کوههای زاگرس به کاسیت ملقب بوده اند چه دریا داشتند ایلیامی این مردم را کوسی و آشوریها کاشو و مورخین امروزی کوسین Gosseen نام میدهند . بیشتر قبور این قوم اکنون در خامره و دلفان لرستان است . اهالی آنمکان یعنی ارهای کاکاوند بیشتر قبور کاسیتها را شکافته و مقدار بسیار زیادی از وسایل بدست آورده را در هرسین و کرمانشاه به عتیقه شناسان فروخته و آنها نیز بنوبه خود باروپا برده و فروخته اند . (عکسهای شماره ۲ و ۳)

باوجود این ، مجموعه بسیار کاملی از این برنز لرستان در موزه ایران باستان موجود است و این مجموعه قسمتی از حفاری علمی و قسمتی از حفاری تجاری و قسمتی توسط خرید از میان تجار ، ثبت بخش موزه ایران باستان ما

شده است و امیدواریم بیش از پیش ما بتوانیم تاریخ گذشته خود را بابدست آوردن این قسم آلات و ادوات، زنده و جاوید نمائیم.

بهر حال تاریخ این برنرها را میتوان از ۱۵۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد دانست.
۴ - آثار روی خاکی لرستان :

آثار روی خاکی لرستان عبارتند از پلهای ساسانی - حرابه های - ساسانی
تلها - تپهها و شهرهای قدیمی .

پل سرخه - این پل را پای پل، بندداود و هفت گذار نیز میخوانند .
اولین پل ساسانی که در لرستان مشاهده میشود پلی است تقریباً در ۱۸ کیلو-
متری شمال شوش و در ۷۲ کیلومتری مغرب اندیمشک تا پای پل سه ساعت با
اسب راه است این پل بکلی ریخته و از پایه های آن جز یکی دو پایه چیزی بجای
نمانده و آب هم در این قسمت کمی تغییر مسیر داده است . (عکسهای شماره ۶ و ۵)
دمرگان Demorgan این پل را دیده و در رساله اش شرح مفصلی از
همین پل ذکر میکند چه او مدتها در شوش و در نزدیکی همین محل اقامت
داشته است .

پل کردختر - دیگر از پلهای قدیمی ساسانی معروف لرستان پل جایدر
است این پل به کردختر معروف است و بر روی رودخانه کشکان بنا شده است
و از عجایب پلهای ساسانی بشمار میرود .^۱ (عکس شماره ۷)

این بنای عظیم سر راه و در جاده شوسه اندیمشک بخرم آباد واقع شده و
اتومبیلها از کنار همین پل میگذرند. جاده جدید بسیار پائین تر از پل است
و در موقع عبور با اتومبیل پل مانند دیواری عظیم و کوه بزرگی جلوه گری
میکند و هنوز بسیاری از پایه های آن بجای مانده است .

از کنار این پل جاده بدو قسمت منقسم میشود : راهی بطرف خرم آباد
وراه دیگر کنار رودخانه کشکان را پیروی کرده با پیچ و خم های رودخانه

۱ - این دختر که دو تمام آثار قدیم ایران نامی از آن برده میشود مانند پل دختر -
سنگ دختر - کتل دختر - کوه دختر - عبارت از همان ستاره معروف ناهید است که
ایرانیان سلف با اسم آناهیتا او را پرستش میکرد و مبدی هم جهت او در زمان اشکانیان
در کنگاور کرمانشاه ساخته بودند و در هر محل نیز هوام بفرغور حال و قال حکایت های
عامیانه جهت این دختر نقل میکنند .

و دره و ماهورهای بسیار جلو رفته تا به ملتقای رودخانه کشکان و صیمره
میرسد.

۳- پای سومیشان - این پل نیز از عجایب و نظیر پل کر دختر است اما
زمان این پل جدیدتر و متعلق باوائل دوره اسلام است پایه های این پل از زمان
ساسانیان ولی طاقهای آن بسیار جدیدتر از اسلام است و در زمان صفویه تعمیراتی
بر روی آن شده و اکنون خراب است - این مکان ملتقای دو رودخانه کشکان
و صیمره است.

(رودخانه کرخه به نام درسه مکان موسوم است - در کرمانشاه گاماساب -
در تمام خاک لرستان صیمره و در خوزستان کرخه نام دارد)

راجع باین پل باید گفته شود که در صدسال قبل والی پشت کوه آنرا
مرمت نموده و ایرانشناس معروف راولینسن از روی این پل عبور کرده است.
(عکس شماره ۱۰)

۴- چم آب برده - (چم در لری بمعنای پل است) - این پل و خرابه های
قدیمی آن شاید از زمان ساسانیان باشد. از نقطه نظر بنا و بزرگی بیایه و مایه
سه پل دیگر که از آن ها ذکر می رفت نمیرسد اما در جای خودشایان ذکر است.
رودخانه صیمره اکنون سه کیلومتر تغییر مسیر داده و این پل بر کنار
مانده و بسیار بعید بنظر میرسد که در ۱۴ قرن رودخانه اینقدر تغییر بستر
داده باشد.

رودخانه گل ولای خود را بطرف پل که زمین سخت و از گچ و آهک
است قرار داده و خود بطرف زمینهای سست میل کرده است.

خاک صیمره باین نواحی ختم شده و ابتدای خاک ظهران شروع میشود
المقدسی صیمره را مهران کذک می نامد و چنین اظهار میکند: زمینی
بسیار وسیع و حاصلخیز و آباد بوده و در سنه ۲۵۸ هجری قمری در اثر زلزله
ویران گشته و بیست هزار تلفات داده است. (عکس شماره ۴)

اصطخری این ملک را دیده و از لبنیات و راههای مشکل آن که همگی
در کوه بوده صحبت میدارد (شعب رشته کوه های زاگرس)

در زمان یاقوت این شهر بکلی ویران شده (دره شهر پایتخت مهرجان - کذک بوده است - یعنی شهر مهم صیمره)
 یاقوت از پل بین صیمره و طره‌هان اسم میبرد و آنرا از عجایب پلها می‌شمارد و این پل همان چم آب بوده است و عجب در اینجاست که تمام این پل ریخته و افتاده است.

۵ - پل گر دختر - در نزدیکی سر طره‌هان بر روی صیمره پلی دیگر از آثار ساسانیان دیده میشود که دوطاق از آن ریخته و بقیه بجا مانده است. پایه های اصلی سنگهای بسیار بزرگ و بالاتر سنگهای تراشیده و بالاتر سنگ و کچ.

این پل معروف به گر دختر و مانند چهار پل دیگر متروک مانده و در قدیم واسطه عبور و مرور سر طره‌هان و هلیلان و بهبارت آخری لرستان و کرمانشاهان بوده است.

این پل از آثار ساسانیان است و بسیار خوب بجا مانده و سومین پل است که روی رودخانه صیمره جهت وصل دو ساحل این رود برپا شده و عبور و مرور را در آن روز گار سهل و آسان نموده است.

۶ - پل گر دختر معروف به پل شاپوری - این پل از عجایب پل هائی است که در زمان قدیم برپا شده. دوطاق این پل ریخته و دوازده طاق که بعضی هم مانند سی و سه پل دو طبقه ساخته شده برپاست. طاقهای این پل مساوی ساخته نشده است بلکه در وسط آب وسیع تر و در دو کنار تنگ تر است. فواصل پایه‌ها از ۴۳ تا ۵۲ و ۶۰ پامیباشد. محیط پایه‌ها کم و بیش تغییر میکنند و از ۶۰ تا ۸۰ تا ۹۰ پا زیاد و کم میشود و دارای ۱۳ دهانه و پایه بزرگ میباشند.

در زمان شاپور اول اسرای رومی این پل را ساخته‌اند

این پل بسیار تماشائی است و عظمت و اقتدار ایران و این کشور باستانی را در مقابل چشم ناظر مجسم میکند. سنگ نوشته‌ای بطول و عرض یک متر و بارتفاع ۳ متر در کنار این پل نصب بوده که اکنون بزمین افتاده است.
 این رودخانه در زمان قدیم بسیار آب داشته و شاید از ۱۳ دهانه این پل میگذشته و حالیه آب از سه دهانه آن عبور میکند.

ارتفاع این پل از سطح آب ۲۵ مترالی ۳۰ متر است. این نیز باید گفته شود که سنگهای این پل را از کوه میل سه فرسنگی این ناحیه (سماق چکنی) آورده بودند زیرا هنوز سنگهای نیمه حجاری شده در مکانهای معروف بیاباغ افراسیاب و تخت منیزه و چاه بیژن در کوه میل دیده میشود که ناتمام و حجاری نشده است.

اما آثاری که در شکفت های (شکفت به معنای شکاف در کوه و یا غار است) کبیر کوه (این کوه را رهاگور کوه می گویند) از پائین به بالا در ضمن حرکت دیده میشود عبارتند از :

شکفت ویژان در - شکفت جو بینک - شکفت شیخ مکان - شکفت دره شهر - شکفت سیگان - شکفت شیروان

ولی مهمتر از همه دو شکفت است که یکی در قدیم پایتخت صیمره بنام دره شهر و دیگری پایتخت پشتکوه بنام شیروان بوده و ما از هر دودر اینجا بحث خواهیم کرد. (مکس شماره ۹)

دره شهر را دمرگان Demorgan پایتخت دوم عیلامها که آشوریا آنرا ماداکتو خوانده اند میداند و در ساحل طرف راست صیمره در سه یا چهار کیلومتری رودخانه لرستان خرابه هائی از عهد عیلامی - اشکانی - ساسانی یافت میشود. شهر ماداکتو مدت ها در نواریخ و اذهان گم شده بود. دمرگان آنرا زنده و جاویدان کرده است.

در دره شهر مهم ترین خرابه های دره صیمره (سین مره) وجود دارد بناهائی که از دور در دره بنظر میرسد تماماً از عهد ساسانی هستند ولی حتماً قبل از این عهد هم یک شهر اشکانی و قدیمتر وجود داشته که با خاک یکسان شده است. ممکن است در زیر این بنا بادکای یونانیها و ماداکتو آشوریا نهفته باشد و همچنین شهر دیگری از آشوریا بنام دورانداسی در مقابل ماداکتو که در ساحل چپ رودخانه صیمره واقعست نمایان است (بنا بر عقیده دمرگان Demorgan)

این شهر چنانکه از اسمش معلوم است شهر بزرگ صیمره بوده و تمام مسافرینی که بناحیه صیمره آمده اند و از کنار رودخانه کرخه گذشته اند مانند : هر تسفلد - رولن سن - ویلسن - دمرگان این خرابه های معروف را دیده اند

و در کتابها - نشان بنامهای بادکای - ماداکتو - دورانداستی ذکر کرده اند
شهر بسیار عجیبی است شاید متجاوز از پنج هزار خانه داشته از ابتدای تنگ
تا انتهای آن یعنی دامنه کبیر کوه آثار بسیاری از گچ و آهک و سنگ نمایان
است .

شهر در زمان یاقوت آنهم بتوسط زلزله خراب و ویران شده و باینصورت
در آمده است (اواخر آل بویه) بسیاری از عمارات روی یکدیگر ریخته و افتاده
است در صورتیکه سنگ و گچ و آهک باندازه ای محکم است که هنوز هم بعضی
را نمیتوان خراب نمود .

آنچه معلوم است این شهر مکان تجارت مانند دهدشت (یکی از شهرهای
خراب دوره صفویه در کهگیلویه) نبوده بلکه مکانی سکنه نشین و زراعتی بوده است
و در زمان ساسانیان آباد شده و تا زمان آل بویه محل سکونت بوده و حالیه هم
چند خانوار از لرها (طایفه میرها) در آنجا تخته قاپو هستند (مسکن دارند)
جغرافیون عرب عموماً پشتکوه را ماسبدان و پیشکوه و صیمره را
مهرجان گدک نامیده اند این راه نیز شاهراه بین شوش - دزفول - کرمانشاه
زهاب - خاتقین بوده و عموم مسافرین از همین راه آمدوشد میکردند.
پرفسور هرتفلد از راه آبدانان و ده لران به اهو از رفته است. (عکس شماره ۸)
تل شیروان - از تل های قدیم و از عهد ساسانیان و قدیمتر ، در قسمت راست
ساحل دره صیمره در نقطه ای که جریان رودخانه از طرف جنوب غربی بجنوب
شرقی تمایل پیدا میکند در امتداد محل تقاطع پشتکوه و کبیر کوه واقع شده است.
دمرگان Demorgan گوید که سابقاً این محل يك شهر عیلامی موسوم
به هارداپانو بوده است. تقریباً دو ۲۰۰۰ متری آنجا خرابه های بسیار جالب
توجهی از يك شهر ساسانیان موجود است .

شیروان - این شهر مانند دره شهر در تنگی در کوه مینشست که کوهی در
جلوی کبیر کوه است در آنطرف رودخانه صیمره واقع شده و مانند دره شهر
آبادی و خرابه های فراوان این شهر از گچ و سنگ و متعلق بدوره ساسانیان
دیده میشود و عیناً نظیر دره شهر است .

چشمه آبی بزرگ دارد که از تنگ سرازیر شده و رودخانه شیروان را مانند رودخانه های دره شهر - شیخ مکان - سمیکان تشکیل میدهد و به صیمره میریزد زمین های این ناحیه حاصلخیز و در وسط شهر هم قصری داشته که اکنون خرابه های آن بجا مانده است .

روئین سن از پشتکوه به شیروان آمده و این شهر قدیمی را بارودخانه ای بهمان اسم دیده ولی چون بارودخانه سفر نکرده ندانسته است که رودخانه شیروان به صیمره میریزد.

کوه منیشت در تابستان هم برف دارد و برف مایحتاج اهالی را کفایت میکند این شهر هم تا در زمان آل بویه مشهور بوده است
ابن خردادبه گوید پایتخت ماسبذان (پشتکوه) شیروان است.
مقدسی گوید مردمان ماسبذان بسیار عقل تیز داشتند و جسور و مادی بودند .

ابن فقیه گوید قباد شاه ساسانی حکما و اطباء باین شهر آورد .
و نازم گوید ماسبذان و مهرجان کذک (صیمره) هر دو بیک حکومت بوده اند .

ابودلف مسعر . باین سواحل سفر کرده و سفرنامه او مفقود شده و یاقوت از او حکایتها نقل میکند .

یاقوت : نقل از ابودلف مسعر : در شیروان درخت بسیار و آب و زراعت دیده میشود . شهری است بسیار دلچسب . آب روان در میان خانه ها عبور می کند و چشمه ها دارد .

(این چشمه ها از کوه منشت سر چشمه میکیرد)

اصطخری گوید خانه ها را با گچ و سنگ ساخته اند و آتارش هنوز نمایان است . از نخلستانهای شیروان اسم می برد (یک نخل خشک هم امروز یافت نمیشود) از میوه جات گرمسیری و سردسیری در شیروان صحبت میدارد ، از برف کوه منیشت حکایتها میگوید (همه و همه از بین رفته است)

ابن حوقل گوید طرز بنای شیروان بشکل موصل است و خربوزه های خوش بو در شیروان یافت میشود .

بلاذری گوید اهالی این شهر در مقابل حمله اعراب مقاومت عجیبی از خود نشان دادند و کشتار بسیاری از عربها نمودند.

ابن واضح گوید شهر بزرگ وسیعی است در میان دو کوه. در شهر چشمه‌ها پیدا می‌شود که در منازل جاری است و از وسط شهر عبور میکند از وسط تنگ رودخانه‌ای جاری شده آب شیروان را تشکیل میدهد دهات و باغها از این آب مشروب و زراعت کامل در اطراف شهر میشود.

ابن الاثیر از حالات قلعه شیروان ذکر میکند (از همه این گفتار در خصوص شهر شیروان با هزار افسوس باید گفت که همه و همه خراب شده، ریخته و افتاده است و از هیچیک اثری بجا نیست)

بهر صورت با اطلاعات مختصری از جغرافیون عرب معلوم می‌شود که پشتکوه و پیشکوه دو پایتخت و دو مرکز مهم داشته‌اند یکی بنام دره شهر و دیگری شیروان و این دو خرابه اکنون شباهت بسیاری بهم دارند و در قدیم الایام هم بی‌شباهت نبودند.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود بتاریخ طبری - جغرافیای ریتز - سفرنامه‌های داوولن سن - ویلسن - کریودتر - هر تفلد - دمرگان - فلاندن - کست.

منابع و مأخذ

ابن فقيه

ابن بطوطه طنجی

دمرگان Demorgon

دیولافوا Prof . Dieu Lafoy

د کتر اشمیت Dr. erich Schmidt

د کتر کنتنو Dr. Contenau

پرفسور کیرشمن Prof. Ghirshman

راولن سن g. Rowlinson

المقدسی

یاقوت

اصطخری

هرتسفلد Herstfeld

ویلسن Wilson

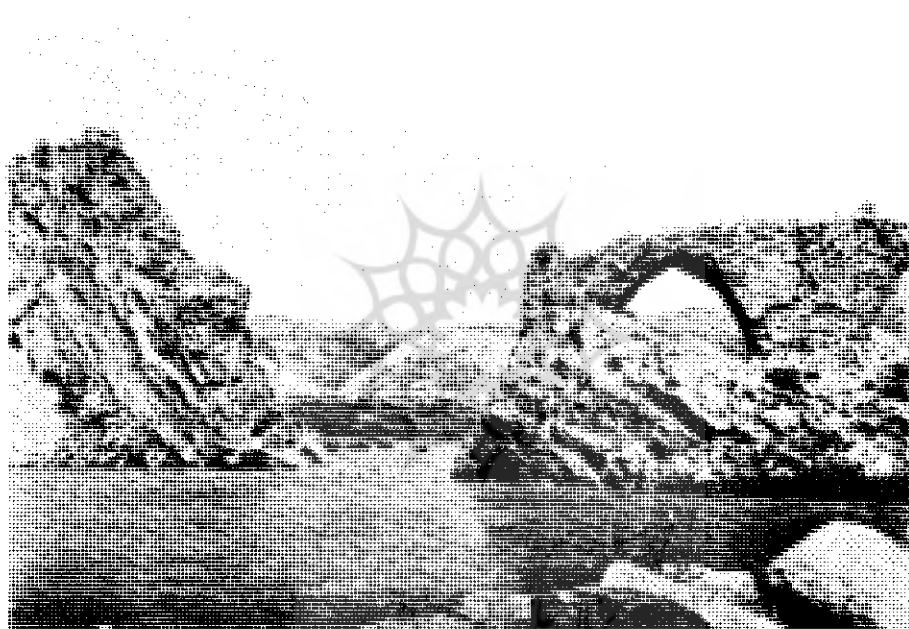
ابن خرداد به

ابن حوقل

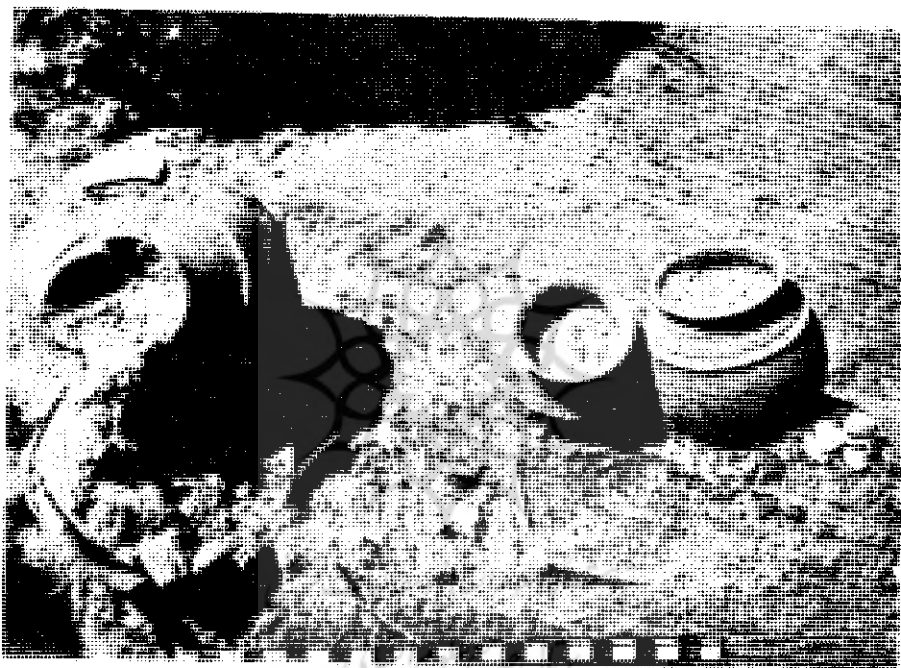
ابن واضح

بلاذری

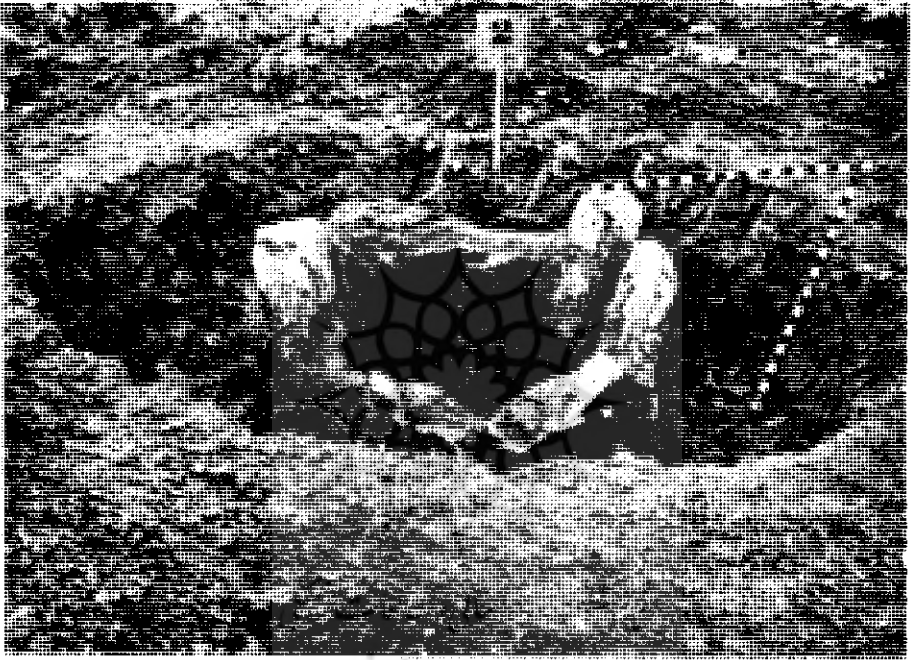
ابن الاثیر



عکس شماره ۱ - پیشکوه - خرابه‌های پل هلیان



عکس شماره ۲ - دو قبر مکشوفه پیشکوه از آثار کاسیت ها

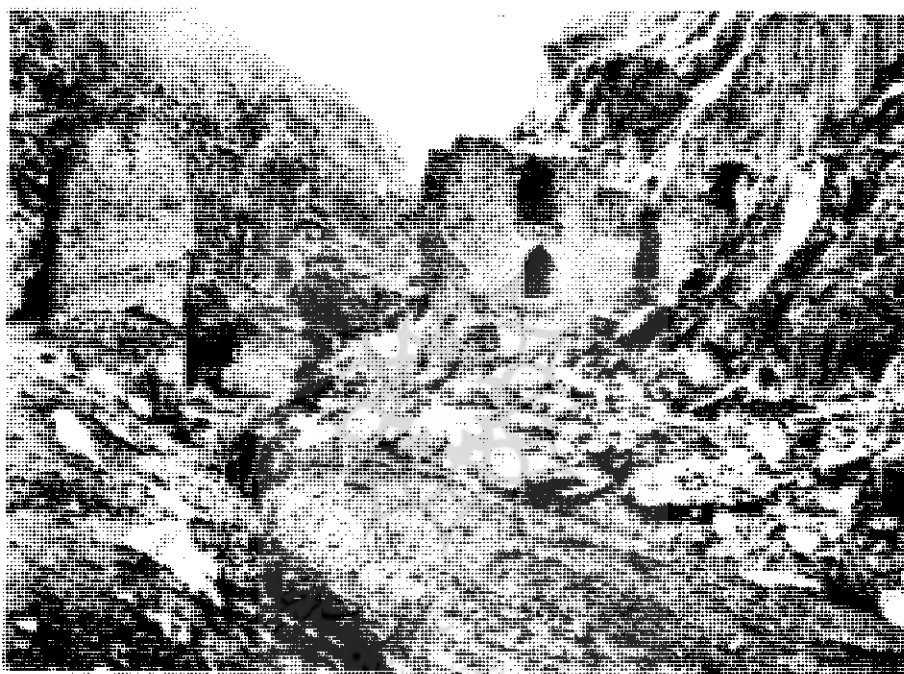


پرتال جامع علوم انسانی

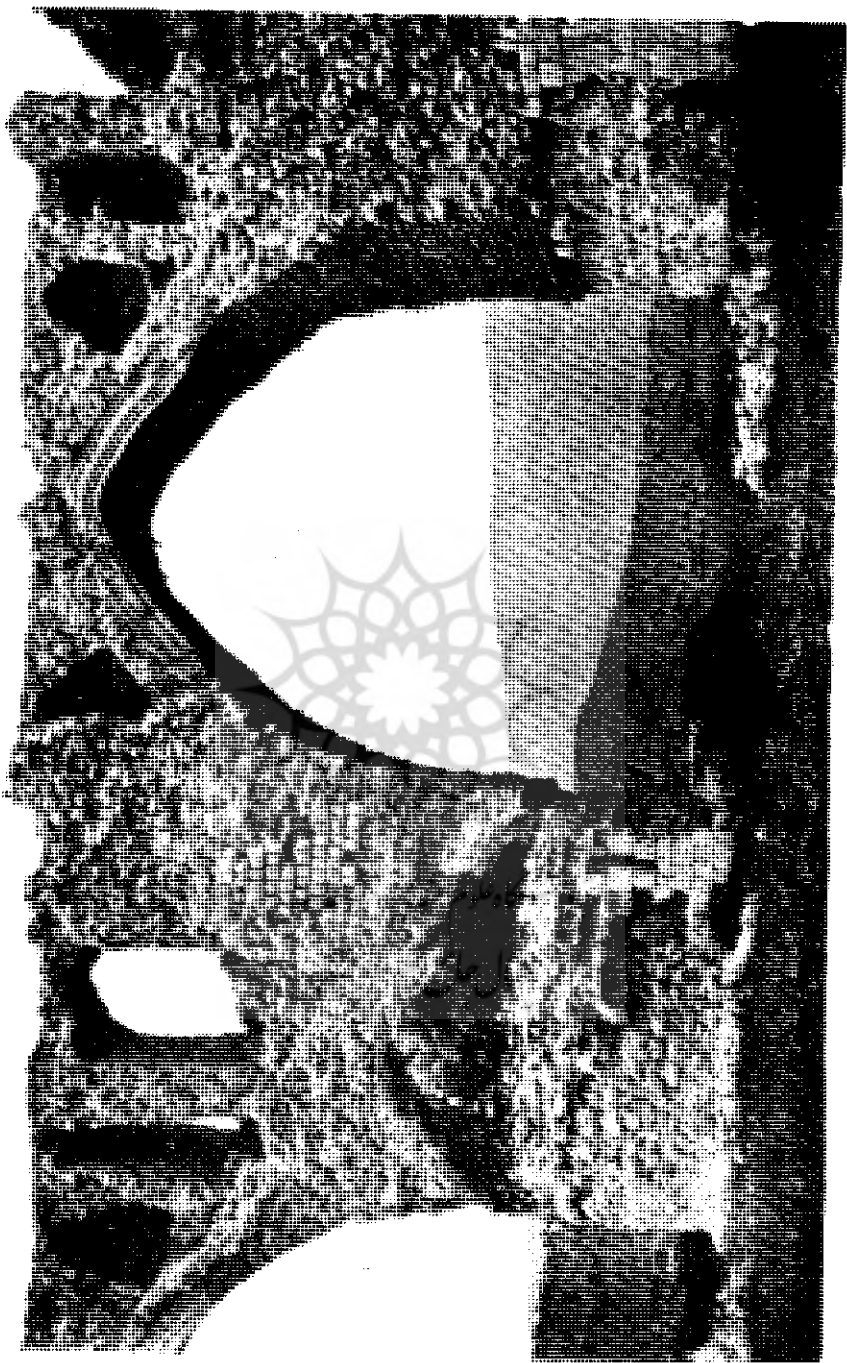
عکس شماره ۳ يك قبر دوره کاسیت ها در پیشکوه



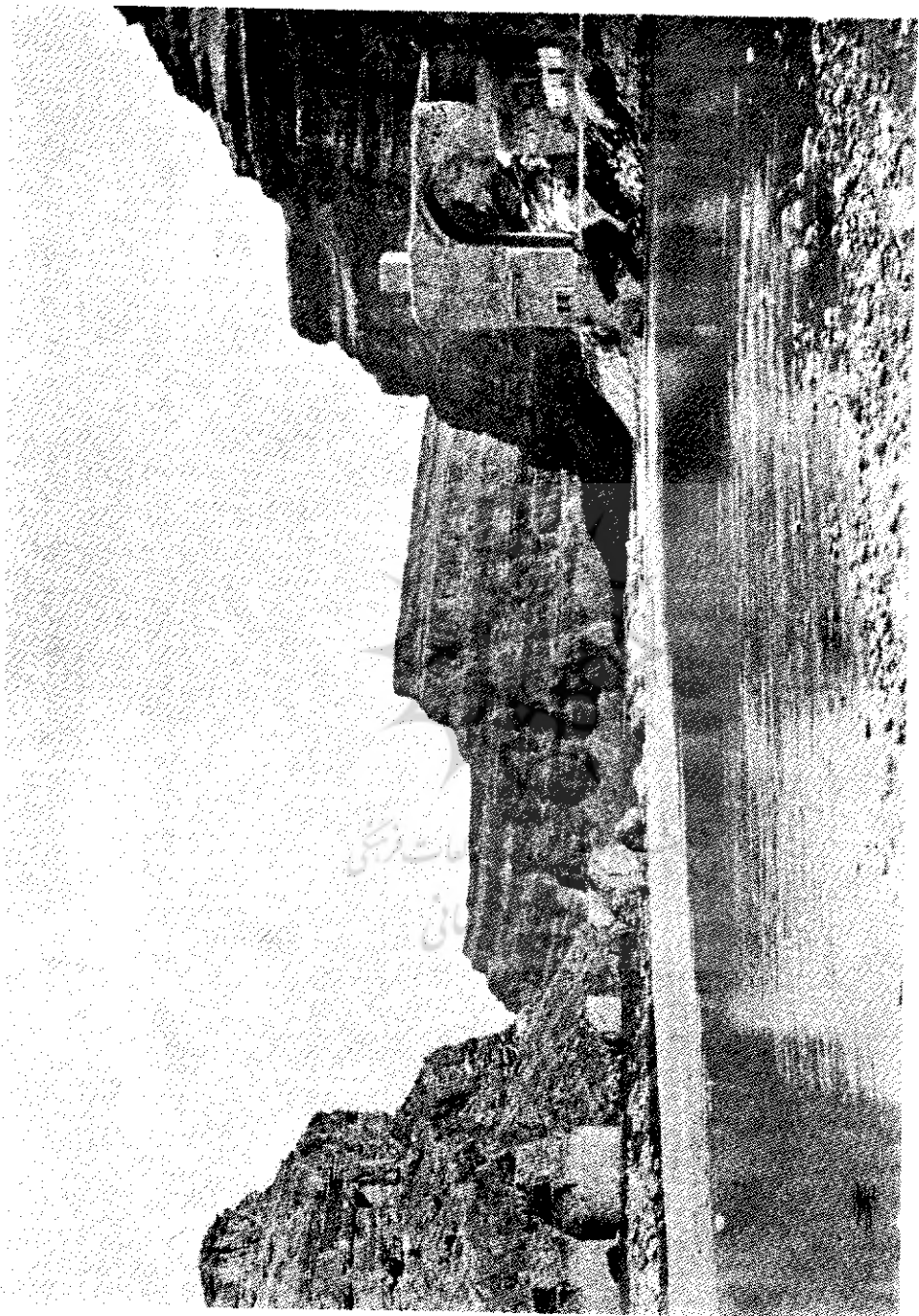
عکس شماره ۴ - پیشکوه - خرابه های شهر صمیره



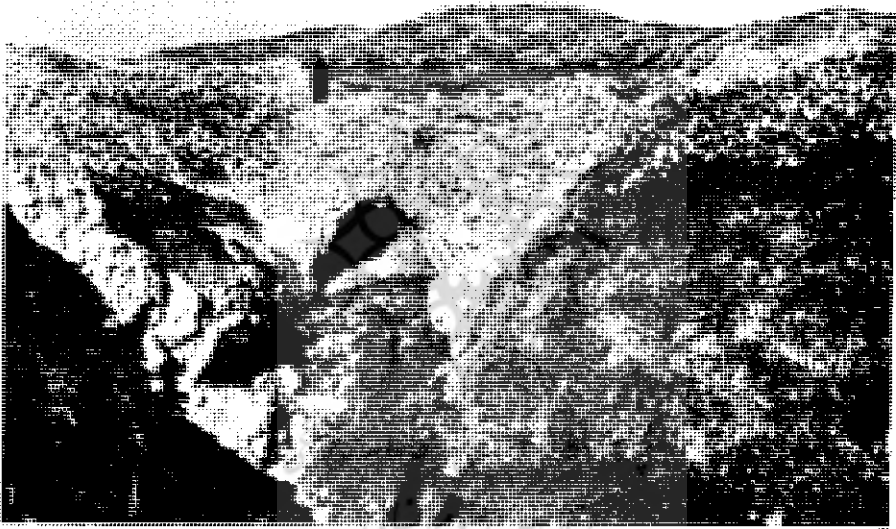
عکس شماره ۵ - پیشکوه - خرابه‌های پل کشکان



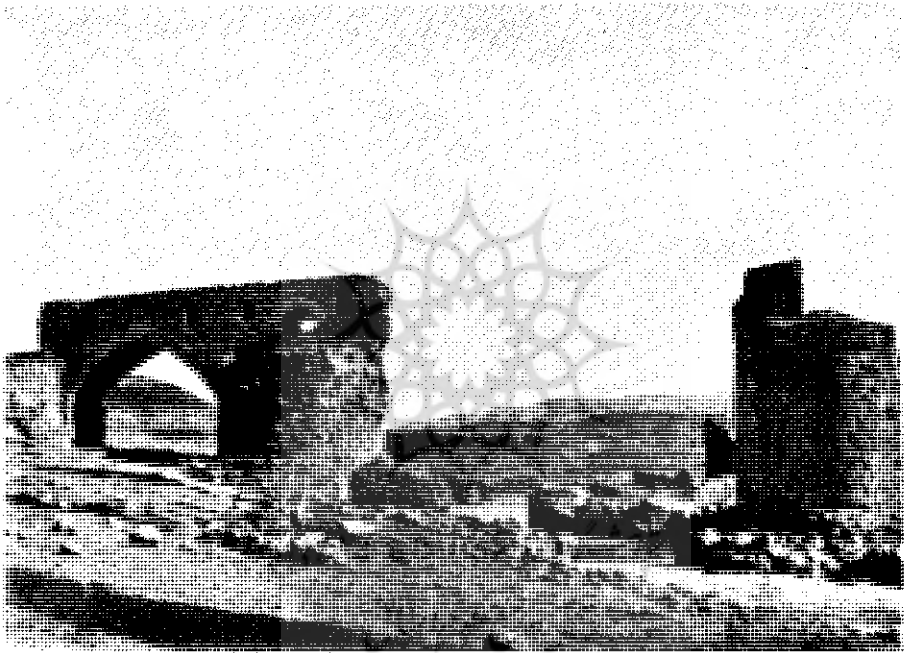
عکس شماره ۶ - پل کشکانه رود ، ابتدای لرستان و انتهای خوزستان



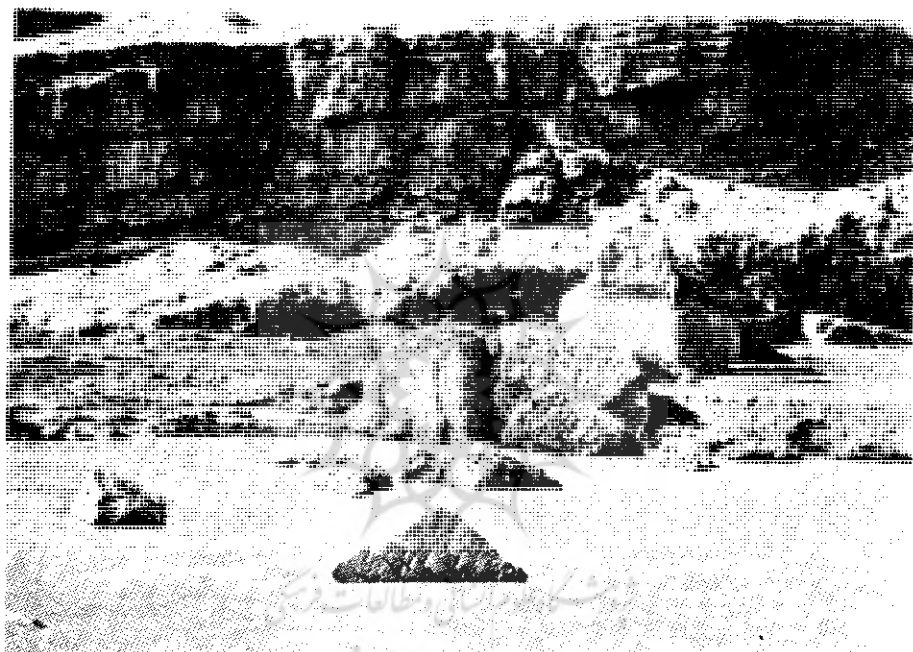
عکس شماره ۷ - پای پل دوره ساسانی ، پل کردختر در پیشکوه (لرستان)



عکس شماره ۸ - پیشکوه خرابه‌های شهر شیروان از دوره ساسانیان



عکس شماره ۹ - خرابه های پل دره شهر



پیشکوه برائے مطالعات و تحقیقات
پرتال جامع علوم انسانی

عکس شماره ۱۰ - پل جم آب برده پیشکوه

مقاله هنر سفال‌سازی در شبه قاره هند و پاکستان که آنرا دانشمند ایران‌شناس آقای پروفیسور محمد باقر استاد بخش خاورشناسی دانشگاه لاهور (پاکستان) برای درج در مجله بررسی‌های تاریخی فرستاده‌اند پژوهشی علمی و محققانه درباره تأثیر هنر سفالگری و کاشی‌سازی ایران در این هنر شبه قاره هند و پاکستان است. آقای پروفیسور محمد باقر که عقیده دارند این هنر شبه قاره هند و پاکستان در دوره اسلامی از هنر ایران سرچشمه و الهام گرفته است با معرفی شواهدی در مقاله خود بخوبی روشن کرده‌اند هنر سفالگری و کاشی‌سازی شبه قاره هند و پاکستان در حقیقت همان هنر سفالگری و کاشی‌سازی ایران دوره اسلامی است که از ایران به آن سرزمین راه و تحول یافته است.

مجله بررسی‌های تاریخی با سپاسگزاری فراوان از معظمه، متن انگلیسی و همچنین ترجمه فارسی این مقاله پرارزش و محققانه را که اهمیت ویژه‌ای در تاریخ هنر ایران دارد از نظر خوانندگان میگذراند.

مجله بررسی‌های تاریخی



پښتونستان د علوم او انساني مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني